

چه میکنیم و به کجا میرویم؟

۱ - فساد ادامه دارد

۲ - مقصر کیست؟

۳ - بخود آئیم

* * *

۱ - فساد ادامه دارد

تأثیر آداب و رفتار غربی در شرقی ادامه دارد، جوانان همچنان در غرقاب فساد غوطه ورند. شناگران قابل که میتوانند خود را از چنگ این دریای فساد و غرقاب جهل برهانند یا اصلاً وجود ندارند و اگر وجود داشته باشند کمتر برای نجات دیگران می کوشند، سیل بنیان کن فساد که از سرزمینهای وحشی نشین مدرن سرچشمه گرفته و از اروپا و آمریکا بسوی شرق و خصوصاً مملکت ما، جریان دارد، همچنان به جریان خود ادامه میدهد و هر سال هزاران جوان نیرومند را در امواج مهیب و خطرناک خود بنامهای گوناگون گرفتار کرده و چون خس و خاشاک با خود میبرد. و هر آن سرزمینهای تازه ای رسیده و گسترش میابد و همگان را در فساد غرق می کند.

روزی بنام افیون و تریاک و زمانی بنام هرئین و وقتی بنام ماده دیگری جلوه گرمی گردد، گاهی بنام بیتل از تلهای اروپا چون وحشیان قدیمی بی - اروپا به سایر قاره ها روی می آورد و دیگران را به این وحشیگری میخواند، و افتخار دارد که باره انداختن مردان زن نما، و زنان مرد نما مد جدیدی به جهان عرضه می دارد و عده ای سبک منز را بدور خود جمع میکند. و هنگامی لانه های فساد و گردابهای هولناکی بنام. پارتی های عصرانه و شبانه و دستخیز پارتی، و «پیکینی پارتی»، و «بیژامه پارتی» و «کلید پارتی»، می سازد و بیک مشت

دختر و پسر جوان را بدانجامیکشد و پس از آلودگی و فساد اخلاق او را تحویل اجتماع میدهد و زمانی نغمه دیگری ساز کرده مایه فساد دیگری چون مدبالای زانو و آخرین مدل مایو تحویل میدهد وزن ایرانی هم چشم و گوش بسته ، هنوز زنان آنچنانی خارجی نپذیرفته از این مایه فساد استقبال می‌کند! .

راستی ما چه می‌کنیم ؟ بکجا می‌رویم ؟ و آنها چه هدفی دارند و برای رسیدن به هدف خود چه می‌کنند ؟

حقیقت اینست که مادر خوابی عمیق فرورفته ایم و پنبه در گوش فرو برده و از همه جا بی‌خبریم و یا اگر خبردار هستیم خود را به بی‌خبری می‌زنیم و جوانان خود را بحال خویشتن‌رها کرده برای اینکه بخود زحمت تعلیم و تربیت آنها را ندهیم ، به اجتماع ، به محیط ، به فرهنگ ، و به راهنمایان دلسوز آنها سپرده ایم .

اجتماع ، که بیشتر افرادش فاسدند و اگر افرادی هم یافت شوند که از فساد برکنار مانده باشند معدود و آنقدر کم اند که دست جوانان به آن مردمان صالح نرسد و یا نمی‌گذارند برسد .

محیط که از در و دیوارش فساد می‌بارد ، فرهنگ و راهنمایان دلسوز هم که واقعا در راه تعلیم و تربیت بچه‌هایی کوشند ، برایشان سینما درست میکنند ، پارتی می‌سازند ، تفریحات سالم فراهم میکنند ! و راهنمایان دلسوز آنها برایشان مجله منتشر می‌کنند ، سوالات آنها پاسخ میدهند و شوهر برایشان دست و پا میکنند و آنگهی ازدواج برای آنها درج می‌نمایند . آخرین دلسوزان اجتماع چه کار است که برای هدایت جوانان نمی‌کنند ؟

راستی خوشا بحال پدران و خوشا بحال جوانان و پدران فردای اجتماع ، از باب مثال یکی از این راهنمایان دلسوز ، مجله «زن روز» است که راستی دختران را هدایت می‌کند ، چطور ؟ اینطور :

دختر جوانی سؤال کرده بود ، من دختری هستم نوزده ساله ، دختر عموم عروسی دارد و از من دعوت کرده در عروسی شرکت کنم ، او گفته که سر میز شام زن و مرد ، یک در میان خواهد نشست ، و جوانی را نیز کنار من خواهد نشاند . من

نمی‌دانم رفتارم با این آقا که او را نمی‌شناسم چطور باید باشد ، می‌ترسم کاری خلاف آئیکت در سرمیز از من سر بزند ، مثلاً اگر بمن مشروب تعارف کرده باید بپذیرم یا نه ؟

ببینید چه عالی دختر را هدایت و ارشاد کرده ، جوابش را چنین داده :

جووانی که قرار است در کنار شما بنشینند معمولاً از پیش میدانند که بغل دستی‌اش کیست . بهمین دلیل وظیفه دختر عمومیتان یا میزبان است که او را هم بشما معرفی کند و همچنین وظیفه جووان است که موقع شام شما را به سرمیز شام هدایت کند بعد وظیفه شماست که اولین دوررقص را با او برقصید سرمیز شام نیز وظیفه جووان است که با شما سر صحبت را باز کند ولی وظیفه شما هم نیست که ساکت بنشینید ، اگر مشروب تعارف کرد عذر بخواهید ، و تنها عکس العملی که شما می‌توانید در جواب تعارف مشروب او نشان دهید ، يك لبخند دوستانه است ! باضافه این جمله :
متشکرم من مشروب الکلی نمی‌نوشم (۱)

اینها که داعیه رهبری دارند و نمونه ارشاد سر می‌دهند اینطور ندانچه رسد بدیگران .

۲ - مقصر کیست ؟

وقتی که فساد ازدرد دیوار بیارند و جووان (چه دختر و چه پسر) هر طرف بنگرد جلوه نحس فساد را ببیند و بهر طرف بر گردد خود را در چنگال دیوهای پلیدی و ناپاکی و کابوسهای جهل و بی‌عفتی اسیر ببیند و هر روز مشکلی بر مشکلات او افزوده گردد ، می‌خواهید قربانان این رهگذر را منحرف و مسموم از هر وین در گوشه خیابان نهانیا بند ؟ می‌خواهید در میان این جوانان «ایران دخت‌ها» جلوه نکنند ؟ لابد در جراید خبر فرار و سپس دستگیری و اعلام آلودگی و آبستنی يك دختر ایرانی (ایران دخت) را بوسیله يك مجسمه کثافت و پلیدی ، يك گیتار زن خارجی ؛ يك عمه پارتی (ادیسون اسکندر) خواننده‌اید ، آیا فکر می‌کنید ، فقط او تنها مغلوب عشق ناپاک و اسیر و گرفتار دست يك خارجی شده و یا در اجتماع امروز ما کسانی که مانند او قربانی عشق ناپاک يك خارجی و یا داخلی شده باشند

کم اند؟ چنین نیست! او نه اولین، قربانی است و نه آخرین آنها! جراید پراست از خبر این گونه وحشیگری‌ها و بی‌عفتیها!

آری اجتماعی که میان او و دین جدائی بیفتد و عوامل فساد روز بروز رو بفرونی باشد، اجتماعی که جهانانش چنین باشند و راهنمایانش چنان واگردین داری، هم در میان آنها پیدا نمودن عاملش بخوانند و فنا تیکش بنامند، می‌خواهید باین گرفتاریها دچار نگردد؟

اجتماعی که تازمزمه فساد در اقصی نقاط عالم بگوشش برسد،
زودتر از آن فساد استقبال کند، می‌خواهید سقوط نماید و جوانان
ش هرزه و لاپالی
فاسد و جانی باریابند و به هزاران درد جسمی و روحی
نی دچار نگردیده و سر
انجام به انتحار نگریند؟

آری ایران دخت برای اینکه بخواهد راهش‌های نفسانی خود جواب دهد و برای
از دواج بایک عنصر ناپاک خا
می‌شوی و بسوی لانه فساد
در این میان؟
نی مقصراست؟ کی اشتباه‌کار است؟ تنها ایران دخت؟ خیر!
اوتنها گناهکار
نیست، اوتنها مقصر نمی‌باشد، بلکه همه مقصر و مستول و گناه
کاریم، از پدر و مادر، از فامیل و همسایه، از دوست و بیگانه، از معلم و استاد،
از ره‌مایان دلسوز آنچنانی، و خلاصه از صدر تا به ذیل همه گناهکاریم، همه
مقصریم.

وقتی که مجلات و روزنامه‌های ما خود عامل فساد باشند و این گونه جوانان
را رهنمائی کنند و برقص و تفریحات سالم آنطوری او گاردن پارتی و پیک‌نیک دستم
جمعی بخوانند و برای آنها سفرهای شمال و لب دریا تشکیل دهند و مایوه‌های
آخرین مدل تقدیمشان نمایند و از خارجیهام تندتر دوانیده و هر هفته آخرین
مدل مدادر اختیار زن ایرانی قرار دهند و پدر و مادرها هم بفکر تربیت فرزندان
خود نباشند، و میان آنها و دین جدائی افتاده باشد و محیط آلوده، معلم و مربی
آلوده و دوست منحرف و گمراه باشد؛ وقتی که دروازه‌های مملکت آزادانه برای

ورود بیگانگان و حاملین این متاعها باز باشد ، و وقتی که هیچ دستگاهی در اینگونه کارها نظارت نداشته باشد ، بیش از این نمی توان انتظار داشت .

بدیهی است تا این فساد اخلاق هست و تا اینگونه هرزگی ها رواج دارد و تا هنگامیکه میان جوانان و دین جدائی و فاصله وجود دارد و تا زمانی که این تقلید از خارجی و آداب و سنن غربی و خارجی مآبی در میان ما وجود دارد و این یورش غرب و فیلم و مجله و روزنامه و افکارش در مملکت نفوذ دارد این فسادها و بی عقبتیها ، و اتحارها و خود کشیها ادامه خواهد داشت و بر عده دیوانگان افزوده خواهد شد و قربانیان این مفاسد از حد فزون خواهند بود .

(دنباله دارد)

چند تذکر!

۱ - نظر باینکه این نشریه با همکاری و تحت نظر جمعی از فضلاء ارجمند حوزه علمیه قم تنظیم میگرد ، از نظر درج مقالات نیز حق تقدم با ایشان میباشد و در هر شماره از درج بیش از یکی دو مقاله وارد معذوریم . بنا - بر این هر گاه تا خیری در درج بعضی از مقالات ارزشمند واقع شود معذرت می خواهیم .

۲ - نویسندگان گرامی مقالات وارده ، خصوصاً دانشجویان عزیز ، در نظر بگیرند که از نوشتن مطالب و قضایائی که در اثر شهرت و کثرت انتشار ، آموزندگی کمتری داشته و چنانچه باید جالب انظار نیست ، خودداری نمایند که از درج آنگونه مقالات معذوریم .

و نیز نویسندگان ارجمند ، منابع مطالب و قضایائی را که از اشخاص یا کتابهای نقل مینمایند تعیین کنند که ارزش بیشتری را دارا باشد .

۳ - با انتشار این شماره ، نصف تعهد این سال خود را در برابر مشترکین خوانندگان عزیز انجام داده ایم ، امید است آنان نیز توجهی نموده و کسانی که حق اشتراک خود را نپرداخته اند بامراجعه بنمایندگان محترم ما یا بوسیله شماره ۴۷ شعبه بانك صادرات قم ، این وجه ناچیز را بپردازند و ما را در راه تکامل و ادامه این خدمت یاری نمایند .